با مردم

شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان ۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

جلوی ورود فاضلاب به آب استان البرز را بگیرید

مدت‌هاست که فاضلاب ۲شهرک صنعتی استان البرز به کانال‌های کشاورزی استان وارد می‌شود. مسئولان خودشان اعلام کرده‌اند که سیستم فاضلاب ۲شهرک صنعتی سپهر و نظرآباد به کانال کشاورزی متصل است و قسمتی از آن خواسته یا ناخواسته در بخش کشاورزی مصرف می‌شود. آیا رواست که اینگونه با سلامت مردم بازی شود و اجازه دهند مزارعی که محصولات جالیزی دست مردم می‌دهند با فاضلاب شهرک صنعتی آبیاری شوند؟

یوسفی از نظرآباد

افزایش چندباره قیمت چای کیسه‌ای چه معنا دارد؟

درحالی که طی چندماه گذشته قیمت انواع چای ۱۰۰درصد افزایش یافت و روی انواع چای‌های کیسه‌ای نیز افزایش قیمت اعمال شد، مجددا قیمت چای کیسه‌ای افزایش یافته است. قیمت برخی از انواع چای کیسه‌ای ۱۰۰عددی به ۲۱۵هزار تومان رسیده است که واقعا جای سؤال دارد. مگر یک کالا چندبار در یک محدوده زمانی می‌تواند افزایش قیمت داشته باشد، گذشته از اینها با وجود آزاد شدن واردات چای، چرا چای باید این میزان گران شود؟

سیف از تهران

گوجه را به قیمت ۲سال قبل از کشاورز می‌خرند

درحالی که گرانی بیداد می‌کند قیمت خرید گوجه سر زمین از کشاورزان به قیمت ۲سال قبل است و کشاورز نمی‌تواند هزینه خرید بذر نوبت بعدی خود را تامین کند. در این شرایط چگونه باید به‌کار خود ادامه دهد، چگونه ممکن است کشاورز با ضرر بتواند ادامه دهد؟

امینی از نورآباد ممسنی

پیامک

ارسال پیام کوتاه خوانندگان ۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

تکلیف زمین‌های بازنشستگان علوم پزشکی تبریز مشخص نشد

۲۷سال قبل عده‌ای به امید خانه‌دار شدن در تعاونی علوم پزشکی سرمایه‌گذاری کردند. اکنون در حالی نزدیک به دهه سوم از زمان راه‌اندازی شده‌ایم و برخی بازنشستگان نیز فوت شده‌اند و هنوز موفق به دریافت زمین‌های خریداری‌شده توسط تعاونی نشده‌اند.

رسولی از تبریز

قسط‌بندی مالیات نباید سبب افزایش مالیات سال قبل شود

همه‌ساله به افرادی که در زمان مقرر برای پرداخت مالیات به اداره مربوط مراجعه می‌کنند امکان استفاده از تقسیط رقم مالیات بدون هیچ سود یا رقم اضافه را می‌دهند که خیلی هم عالی است اما در کمال تعجب سال آینده رقمی به‌عنوان بدهی سال قبل در مالیات جدید دیده می‌شود که می‌گویند به این دلیل است که شما مالیات سال گذشته را قسط‌بندی کرده‌اید! اگر قرار است قسط‌بندی بدون سود برای مردم درنظر بگیرند چرا سال بعد همان مابه‌التفاوت را می‌گیرند؟ این در حالی است که اغلب مالیات‌پردازان همه‌ساله قسط‌بندی می‌کنند و این نوعی سودجویی از مالیات‌دهندگانی است که فکر می‌کنند مالیات را قسط‌بندی کرده‌اند تا زیاد تحت فشار قرار نگیرند! بنده امسال با مالیات یک‌میلیون و ۷۰۰هزار تومانی، ۲۰۰هزار تومان هم بابت قسط‌بندی مالیات سال گذشته‌ام حکم قطعی گرفته‌ام و دوباره این ارقام قسط‌بندی شد که اگر داشتم یکجا می‌پرداختم و اجازه نمی‌دادم اینگونه شود.

دولتخواه از تهران

بیمارستان هزار تختخوابی اردبیل در حد خبری روی کاغذ است

سال‌هاست در مورد بیمارستان هزار تختخوابی اردبیل سخنانی مطرح و در رسانه‌ها نیز مدام خبر آن منتشر می‌شود، اما در مرحله اجرا، چیزی به نام بیمارستان هزار تختخوابی نداریم و صرفا اندکی خاکبرداری در این پروژه صورت گرفته است. اگر واقعا بیمارستانی هست و قرار است ساخته شود اقدامی جهادی صورت بگیرد، اگرنه دست از خبررسانی در این زمینه بردارند.

بهنود از اردبیل

پیام

تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

معافیت مالیاتی اصناف افتخاری ندارد

رئیس سازمان امور مالیاتی ایران با افتخار می‌گوید که ۵۰درصد اصناف و مشاغل مالیات صفر خواهند داشت! حرف بسیار عجیبی است. مگر چند درصد تولید ناخالص ملی کشور به وسیله اصناف ایجاد می‌شود، از نظر اقتصادی این حرف ۲ اشکال دارد؛ اولا به‌علت بیکاری، تعداد اصناف نسبت به کشورهای پیشرفته خیلی زیاد است، دوما چرا سخنی از مالیات واحدهای تولیدی و تجاری بزرگ نمی‌گویند.

خانقاهی از رشت

پذیرش بیش از حد مهاجران در قیامدشت

ساکن شهرک قیامدشت در نزدیکی تهران هستم. در اینجا به‌دلیل ازدیاد جمعیت مهاجران در همه ایام به‌خصوص در روزهای تعطیل، ساکنان بومی و ایرانی‌ها نمی‌توانند از نانوایی‌ها یا سایر امکانات رفاهی استفاده کنند. لطفا تدبیری برای این موضوع شود.

ایرانپور از قیامدشت تهران

جلوی فعالیت چاه‌های غیرمجاز در شهریار را بگیرند

در منطقه سعیدآباد شهریار تعداد زیادی چاه غیرمجاز توسط بعضی از کارخانه‌های تولید بتن آماده حفر شده است و تعداد اندکی هم دارای مجوز هستند. برداشت چاه‌های غیرمجاز چندین برابر چاه‌های مجاز است و مردم با زحمت فراوان این قانون‌شکنی را به سازمان آب اطلاع داده‌اند و سازمان آب هم مأموران خود را فرستاد و چاه‌ها را کشف کردند ولی پلمب نشدند. سؤال این است اگر قرار بود چاه مجاز و غیرمجاز باهم فرقی نداشته باشند چرا برای مجوز چاه مبالغ میلیاردی هزینه کنیم؟ اگر کار ما قانونی است چرا این چاه‌های غیرمجاز هیچ هزینه‌ای پرداخت نکرده‌اند؟ این عادلانه نیست که ما برای یک لیتر برداشت اضافی باید جوابگو باشیم ولی آنها که خلاف کرده‌اند آزاد باشند.

محمدی از شهریار

پسر جوان ۴ساعت پس از قتل دختر مورد علاقه‌اش خود را تسلیم کرد

جنایت در قرار آخر

گزارش

الهه فراهانی
روزنامه‌نگار

مرد جوان وقتی شنید که دختر مورد علاقه‌اش، تمایلی به ازدواج با او ندارد راهی محل زندگی وی شد و در اقدامی هولناک او را به قتل رساند. به گزارش همشهری، عصر چهارشنبه گذشته، مردی با اورژانس تماس گرفت و گفت: «من دختری را با چاقو زده‌ام، لطفا به این آدرس ... یک آمبولانس اعزام کنید.» همزمان با این تماس، ساکنان ساختمانی در شرق تهران نیز با پلیس تماس گرفتند و گفتند که پیکر نیمه‌جان دختری جوان در راه‌پله‌ها و درست مقابل آپارتمانش افتاده است.

لحظاتی بعد تیمی از مأموران پلیس و نیروهای اورژانس به محل حادثه رسیدند. دختر جوان که هدف ضربه‌های چاقو قرار گرفته بود برای درمان به بیمارستان انتقال یافت و مأموران پلیس نیز به تحقیقات از اهالی ساختمان پرداختند. آنها می‌گفتند که دختر جوان به تنهایی در یکی از آپارتمان‌ها زندگی می‌کرد و هر ازگاهی مردی جوان به خانه او رفت‌وآمد داشته است. همسایه‌ها لحظاتی پیش از مشاهده پیکر غرق در خون دختر، همان مرد جوان را دیده بودند که به‌شدت مضطرب بود و با عجله ساختمان را ترک کرد.

گزارش یک قتل

اگرچه مجروح این حادثه برای درمان به بیمارستان انتقال یافته بود، اما به‌رغم تلاش پزشکان و به‌دلیل شدت جراحات و خونریزی جانش را از دست داد. گزارش این جنایت به قاضی وحید ناصری، بازپرس ویژه قتل تهران اعلام و تیم جنایی پایتخت وارد عمل شد. آنطور که تحقیقات کارآگاهان جنایی نشان می‌داد، کسی جز مرد جوان که به خانه مقتول رفت‌وآمد داشته، عامل جنایت نبود. بررسی‌ها نشان می‌داد که او راننده تاکسی اینترنتی بوده و با این اطلاعات تحقیقات برای شناسایی مخفیگاه و دستگیری او آغاز شد.

من قاتلم

درحالی که بر رسی‌ها ادامه داشت، مظنون جنایت ۴ساعت پس از قتل، یعنی در شامگاه روز چهارشنبه قدم در اداره پلیس گذاشت و گفت: «من ناخواسته دستانم به خون دختر مورد علاقه‌ام آلوده شد و حالا به‌شدت پشیمانم و عذاب وجدان دارم.» مرد جوان اعتراف کرد که خواستگار مقتول بوده و آنها قرار بوده به‌زودی با هم ازدواج کنند، اما چند وقت قبل، بدون هیچ دلیلی دختر مورد علاقه‌اش به او جواب منفی داده و تصمیم گرفته به رابطه‌شان پایان بدهد. همین مسئله موجب عصبانیت مرد جوان و باعث شده که وی در آخرین قرار، جان دختر مورد علاقه‌اش را بگیرد. با اعترافات متهم، وی برای انجام تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفته است.

گفت‌وگو

پشیمانم!

متهم ۴۷ساله است و می‌گوید که فوق لیسانس ادبیات فارسی دارد. وی حدود ۶سال قبل برای کار از شهرستان به تهران آمده و در پایتخت ماندگار شده است. او به‌شدت نادم و پشیمان است و در تمام مراحل تحقیقات، با گریه از جزئیات جنایتی می‌گوید که مرتکب شده است.

چه اتفاقی افتاد که کارت به اینجا رسید؟

همه‌چیز در یک لحظه اتفاق افتاد. نتوانستم خشمم را کنترل کنم و نمی‌دانید چقدر پشیمانم و عذاب وجدان دارم. ای کاش می‌توانستم زمان را به عقب برگردانم و احساساتم را کنترل کنم.

با مقتول چطور آشنا شدی؟

۴سال قبل او درخواست یک تاکسی اینترنتی کرد و من هم شغلم مسافرکشی است. من درخواست او را قبول کردم و آن روز در بین راه شروع کردیم به صحبت کردن درباره مسائل مختلف. در آخر از او اجازه گرفتم تا بیشتر با هم آشنا شویم و هرازگاهی به او زنگ بزنم. اسمش مینا بود. قبول کرد و به این ترتیب رابطه ما شکل گرفت و رفته‌رفته صمیمی‌تر شدیم.

چه شد که رابطه صمیمی شما با قتل مینا پایان یافت؟

من نمی‌خواستم او را به قتل برسانم. می‌خواستم به زندگی خودم پایان بدهم. آن روز رفته بودم با مینا صحبت کنم و پول‌هایم را از او بگیرم.

از او پول طلب داشتی؟

تمام زحمت‌های ۴ساله‌ام دست مینا بود. من ۶سال قبل برای کار به تهران آمدم. اهل شهرستان هستم و در چند پروژه کار کردم، اما پول خوبی به‌دست نیاوردم و تصمیم گرفتم مسافرکشی کنم. راننده تاکسی اینترنتی بودم و حتی شب‌ها را در ماشینم می‌خوابیدم. پس از آنکه با مینا آشنا شدم تمام درآمدهای روزانه‌ام را به او می‌دادم. چون قصد داشتیم با هم ازدواج کنیم.

چقدر پول از او طلب داشتی؟

حدود ۷۰میلیون تومان. من خیلی به او علاقه داشتم و این پول را داده بودم که او پس‌انداز کند و بتوانیم زندگی مشترکمان را شروع کنیم، اما او چشمش را روی همه اینها بست و نادیده‌ام گرفت. یکباره تغییر کرد و زد زیر حرف‌ها و قول و قراری که با هم داشتیم. دیگر نمی‌خواست به ارتباطش با من ادامه بدهد.

برگردیم به روز حادثه؛ چه اتفاقی افتاد که جان مینا را گرفتی؟

ماجرا به چند روز قبل‌تر از آن بر می‌گردد. مینا به من گفته بود که به شهرستان می‌رود و برای مدتی در تهران نیست. اما بعد فهمیدم که دروغ گفته. خیلی ناراحت شدم و به او زنگ زدم. در اوج ناباوری مینا به من گفت که دیگر مرا نمی‌خواهد. وی گفت که دست از سرش بردارم چون رابطه ما دیگر تمام شده است. این حرف‌هایش را که شنیدم، شوکه شدم. اصلا باورم نمی‌شد، چون ما قرار ازدواج و زندگی مشترک گذاشته بودیم. تصمیم گرفتم به زندگی خودم پایان بدهم. رفتم یک چاقو خریدم و راهی یک ساختمان نیمه‌کاره شدم تا در آنجا به زندگی‌ام پایان بدهم، اما لحظه آخر پشیمان شدم. با خودم تصمیم گرفتم تا حرف‌های آخرم را به مینا بزنم و بعد به زندگی‌ام پایان بدهم. می‌خواستم پولی را که در این ۴سال به او داده بودم، پس بگیرم تا خرج کفن و دفنم شود، اما وقتی به دیدن مینا رفتم در یک لحظه کنترلم را از دست دادم و چند ضربه به او زدم.

مگر او چه گفت؟

همچنان روی حرفش ایستاده بود. دیگر مرا نمی‌خواست. می‌خواستم یا او را از تصمیمش منصرف کنم یا پولم را بگیرم، اما حرف‌های او عصبانی‌ام کرد. آنقدر که نفهمیدم چه شد و وقتی به خودم آمدم دیدم لباس‌های او و دست‌های من خونی است.

بعد از قتل چه کردی؟

ابتدا به اورژانس زنگ زدم و بعد چند ساعتی در خیابان سرگردان بودم. حتی به هیئت عزاداری رفتم، اشک ریختم و توبه کردم. سپس به اداره پلیس رفتم و خودم را معرفی کردم.

دستگیری گروگانگیران پاکستانی در تهران

داخلی

۳مرد پاکستانی، با ربودن مرد افغانستانی در تهران قصد اخاذی ۳هزار دلاری از خانواده‌اش را داشتند اما طمع آنها برای اخاذی بیشتر باعث دستگیری‌شان شد.

به گزارش همشهری، چندی قبل خانواده یک مرد افغانستانی به دادسرای جنایی تهران رفتند تا ماجرای یک آدم ربایی را شرح بدهند. پسر این خانواده گفت: افراد ناشناسی، برادرم را گروگان گرفته‌اند و برای آزادی او درخواست ۳هزار دلار کرده‌اند.

وی ادامه داد: خانواده ما وضع مالی خوبی دارد و پدرم سرمایه‌دار است. چند روز قبل برادرم برای انجام کاری از خانه خارج شد و دیگر برنگشت. چند ساعت بعد مردی به ما زنگ زد و گفت برادرم را گروگان گرفته است. فرد تماس گیرنده برای آزادی برادرم درخواست ۳هزار دلار کرد. او می‌گفت چنانچه پلیس را در جریان قرار بدهیم جان برادرم را می‌گیرد. ما هم از ترس‌مان پای پلیس را به ماجرا باز نکردیم و از ترس اینکه مبادا جان برادرم را بگیرند، دلارها را تهیه کرده و به آدرسی که عنوان کرده بودند بردیم. آدم‌ربایان با اینکه به خواسته‌شان رسیده بودند اما برادرم را آزاد نکرده و دیگر خبری از آنها نشد. ما هم تصمیم گرفتیم موضوع را به پلیس و دستگاه قضایی اطلاع بدهیم.

رهایی گروگان

با این شکایت، تحقیقات مأموران پلیس به دستور بازپرس جنایی تهران شروع شد و با توجه به سرنخ‌های موجود و ردیابی‌های ویژه محل اختفای گروگانگیران شناسایی شد؛ آنجا خانه‌ای در جنوب تهران بود که تیمی از مأموران راهی این محل شدند و در عملیاتی غافلگیرانه ۳ گروگانگیر را دستگیر کردند. آنها همچنین جوان افغانستانی را که در یکی از اتاق‌ها با دست و پای بسته زندانی شده بود، نجات دادند. به گفته گروگان جوان، وی یک هفته در اتاق زندانی بود و گروگانگیران مدام شکنجه‌اش می‌کردند. متهمان دستگیر شده که اهل کشور پاکستان هستند برای انجام تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران اداره آگاهی تهران قرار گرفتند.

بررسی‌های اولیه حکایت از این داشت که مردان پاکستانی، با هدف اخاذی جوان افغان را ربوده و در خانه اجاره‌ای نگهداری می‌کردند و بعد از اخاذی اولیه قصد داشتند دوباره مبلغ درخواستی‌شان را بالا ببرند اما فکرش را نمی‌کردند که شناسایی و دستگیر شوند.

جاسازی ماهرانه ۵۰۰کیلو شیشه در بدنه کامیون

ماموران پلیس مبارزه با موادمخدر در بازرسی یک کامیون موفق شدند ۵۰۰کیلوگرم شیشه را که به طرز ماهرانه‌ای در بدنه آن جاسازی شده بود کشف کنند.

به گزارش همشهری، چند روز قبل به مأموران پلیس مبارزه با موادمخدر شهرستان حاجی‌آباد واقع در استان هرمزگان خبر رسید که یک کامیون حامل محموله سنگین موادمخدر در افغانستان بارگیری شده و قرار است با عبور از حاجی‌آباد به هرمزگان منتقل شود. در این شرایط مأموران به کمین این کامیون نشستند. سرانجام روز پنجشنبه مأموران پلیس هنگام کنترل خودروهای عبوری به کامیونی با مشخصات کامیون مورد نظر مشکوک شده و آن را متوقف کردند. هرچند در نگاه اول بار و بارنامه این کامیون طبیعی به‌نظر می‌رسید اما وقتی آنها به بازرسی دقیق این کامیون پرداختند موفق شدند در بدنه آن مقدار ۵۰۰کیلو موادمخدر شیشه مایع که به شکل ماهرانه‌ای جاسازی شده بود کشف کنند. سردار علی‌اکبر جاویدان، فرمانده انتظامی استان هرمزگان در این‌باره گفت: مأموران پلیس مبارزه با موادمخدر هرمزگان در راستای مقابله جدی با پدیده شوم قاچاق موادمخدر با همکاری اطلاعاتی یکی از استان‌های مرکزی، این محموله سنگین موادمخدر که از افغانستان بارگیری شده بود را شناسایی کردند. همکارانم پس از تعقیب و مراقبت‌های لازم تریلی حامل موادمخدر را شناسایی و در بازرسی فنی و دقیق از آن مقدار ۵۰۰کیلو موادمخدر از نوع شیشه مایع که به طرز ماهرانه در بدنه خودرو جاسازی شده بود کشف کردند. او ادامه داد: در این عملیات ۲نفر از عاملان قاچاق این محموله دستگیر شدند و تلاش مأموران برای شناسایی و دستگیری دیگر عاملان قاچاق این محموله موادمخدر ادامه دارد.

متهم ۱۴ سال پس از فرار از قصاص به اتهام قتل دستگیر شد

قاتل بخشیده شده دوباره مرتکب قتل شد

جنایی

مردی که ۱۴سال قبل پس از قتل یکی از دوستانش با جلب رضایت اولیای دم از قصاص نجات یافته بود بار دیگر دست به جنایت زد و این بار در یک درگیری خیابانی به‌خاطر بوق زدن، راننده‌ای را با شلیک گلوله به قتل رساند.

به‌گزارش همشهری، عصر روز جمعه ۳۰تیرماه امسال شهروندان اصفهانی به کلانتری ۲۸ این شهر خبر دادند که جنازه مردی در خیابان باغ فردوس دیده شده و شواهد نشان می‌دهد که این مرد به قتل رسیده است. دقایقی بعد از این خبر بود که نخستین گروه از مأموران پلیس خود را به محل کشف جسد رسانده و با پیکر بی‌جان مردی که بر اثر اصابت گلوله جانش را از دست داده بود مواجه شدند. در نزدیکی جسد خودروی متوفی نیز قرار داشت اما هنوز به‌درستی معلوم نبود که این مرد توسط چه کسی و با چه انگیزه‌ای به قتل رسیده است. در این شرایط به دستور بازپرس جنایی جسد به پزشکی قانونی منتقل و تحقیقات برای رازگشایی از این جنایت آغاز شد. تحقیق از شهروندان نخستین سرنخ‌ها را در اختیار کارآگاهان جنایی قرار داد. آنطور که چند شهروند می‌گفتند راننده یک خودروی دیگر با مقتول درگیر شده و با شلیک گلوله او را به قتل رسانده بود. یکی از آنها گفت: مقتول و راننده دیگری بر سر موضوع نامعلومی با هم درگیر شدند. هر دو نفرشان درحالی که خیلی عصبانی بودند از خودرو پیاده و با هم درگیر شدند که ناگهان قاتل با اسلحه یک گلوله شلیک کرد و درحالی که مقتول روی زمین افتاده بود سوار خودرواش شد و گریخت.

تکرار جنایت

کارآگاهان جنایی در همان بررسی‌های اولیه در محل وقوع جنایت توانستند هویت قاتل را شناسایی کنند. اطلاعات به‌دست آمده نشان می‌داد که او فردی سابقه‌دار است که پیش از این در سال ۸۸ در درگیری با چند نفر از دوستانش، یکی از آنها را با چاقو به قتل رسانده است. بررسی سوابق این متهم حاکی از آن بود که با وجود محکومیت او به قصاص اما اولیای دم مقتول، رضایت داده و او بعد از نجات از چوبه دار و مدتی تحمل حبس، از زندان آزاد شده بود.

در تعقیب قاتل فراری

کارآگاهان در ادامه به اطلاعاتی درباره مخفیگاه متهم دست پیدا کردند. شواهد نشان می‌داد که او بعد از ارتکاب قتل از اصفهان خارج شده و به شمال کشور گریخته است. هرچه تحقیقات ادامه پیدا می‌کرد افسران جنایی به اطلاعات تازه‌تری درباره متهم دست پیدا می‌کردند تا اینکه معلوم شد او در آمل مخفی شده است. در این شرایط بود که گروهی از مأموران با نیابت قضایی راهی این شهر شدند و در شرایطی که متهم گمان نمی‌کرد پلیس بتواند مخفیگاهش را پیدا کند، در عملیاتی غافلگیرانه دستگیر و در شرایطی که ۷۲ساعت از قتل می‌گذشت به اصفهان بازگردانده شد.

جنایت به‌خاطر بوق زدن

وقتی متهم تحت بازجویی قرار گرفت به قتل اعتراف کرد و جزئیات بیشتری از آنچه را که اتفاق افتاده بود بازگو کرد. او که شغلش مسافرکشی بود در اعترافاتش گفت: روز حادثه در حال مسافرکشی در مسیر باغ فردوس بودم که بوق‌های پشت سرهم یک ماشین اعصابم را به‌هم ریخت و ناگهان شروع به فحاشی کردم. راننده طرف مقابل هم به‌خاطر فحاشی با من درگیر شد.

او در ادامه گفت: هر ۲نفر از ماشین‌های‌مان پیاده شدیم و به طرف یکدیگر حمله کردیم. او چوب دستی خود را از ماشین بیرون آورد و من هم با کلت کمری که همراهم بود به طرفش نشانه رفتم و شلیک کردم. این حادثه در چند لحظه اتفاق افتاد و من بعد از شلیک از آنجا فرار کردم و به آمل رفتم. فکر نمی‌کردم پلیس بتواند ردی از من پیدا کند اما ۳روز گذشته بود که مأموران را بالای سرم دیدم و دستگیر شدم.

سرهنگ حسین ترکیان، رئیس پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی استان اصفهان، با اعلام جزئیات این پرونده گفت: به‌دنبال اعترافات متهم، او با قرار قانونی در بازداشت به‌سر می‌برد و تحقیقات در این‌باره ادامه دارد.

کوتاه از حادثه

درگیری طایفه‌ای بر سر زمین کشاورزی ۳قربانی گرفت

شهادت مأمور پلیس هنگام دستگیری متهم

درگیری طایفه‌ای به‌خاطر اختلاف ملکی و برداشت محصولات کشاورزی در چهارمحال و بختیاری پایان تلخی داشت و به قتل ۲ نفر در درگیری و شهادت یک مأمور پلیس هنگام دستگیری متهمان منجر شد.

به گزارش همشهری، این درگیری طایفه‌ای ظهر روز چهارشنبه ۴مردادماه امسال در منطقه ییلاقی دینaران از توابع اردل واقع در استان چهارمحال و بختیاری اتفاق افتاد. ماجرا از این قرار بود که اعضای ۲ طایفه از مدت‌ها قبل بر سر مالکیت یک زمین کشاورزی و برداشت محصول گندم از آن با یکدیگر دچار اختلاف و کشمکش بودند. آنها چند مرتبه تلاش کرده بودند از راه‌های مسالمت‌آمیز اختلافات‌شان را برطرف کنند، اما نه‌تنها اختلافات برطرف نشد که شدت هم گرفت. اختلافات این ۲طایفه آتش زیر خاکستر بود تا اینکه روز چهارشنبه ناگهان شعله‌ور شد و درگیری به اوج خود رسید.

در جریان درگیری بین چند نفر از اعضای ۲ طایفه آنها با چوب و چماق و اسلحه شکاری به جان یکدیگر افتادند و با بالاگرفتن زد و خورد، ۲نفر از طرفین به قتل رسیدند و ۸نفر دیگر نیز مجروح و راهی بیمارستان شدند.

دقایقی از وقوع این درگیری می‌گذشت که مأموران پلیس، خود را به محل حادثه رساندند و تلاش کردند کنترل اوضاع را به‌دست گیرند. آنها با شناسایی تعدادی از عوامل درگیری درصدد دستگیری آنها بودند که در این میان یکی از مأموران پلیس به نام ستوان دوم علی شوقی آلیکوهی نیز هدف گلوله قرار گرفت و به شهادت رسید.

یعقوب شکوهی، فرماندار شهرستان اردل در این‌باره گفت: این درگیری در منطقه ییلاقی دینaران به‌دلیل اختلافات ملکی و اراضی کشاورزی و برداشت محصول گندم میان ۲طایفه رخ داد و به‌دنبال آن جلسه شورای تامین شهرستان برگزار شد و اعضای شورای تامین شهرستان، مأموران انتظامی و یگان ویژه در روستای قراب مستقر شدند و امنیت در منطقه برقرار شد.

از سوی دیگر سردار منوچهر امان‌اللهی، فرمانده انتظامی چهارمحال و بختیاری نیز جزئیات بیشتری از این حادثه و شهادت ستوان دوم علی شوقی را بازگو کرد و گفت این مأمور پلیس هنگام دستگیری عاملان نزاع و درگیری به شهادت رسید. او ادامه داد: مأموران انتظامی شهرستان اردل برای اجرای ماموریت و دستگیری عاملان نزاع و درگیری به منطقه دینaران از توابع این شهرستان اعزام شده بودند که ۲نفر از افراد دخیل فوت و ۸نفر زخمی شدند که افراد زخمی توسط اورژانس شهرستان به بیمارستان اعزام شدند و متأسفانه ستوان دوم علی شوقی به شهادت رسید.

براساس این گزارش قرار است مراسم وداع با پیکر شهید علی شوقی، امروز (شنبه، هفتم مرداد) در ستاد شماره ۲ ستاد فرماندهی انتظامی چهارمحال و بختیاری برگزار شود و مراسم خاکسپاری نیز پس از تشییع در شهرستان اردل در گلزار شهدای آلیکوه برگزار خواهد شد.

مرگ مرموز ۳ نفر در پایتخت

در جریان ۳حادثه جداگانه، زنی جوان، دختری ۱۳ماهه و مردی میانسال در پایتخت جانشان را از دست دادند و پرونده مرگ آنها روی میز بازپرس جنایی قرار گرفت.

به گزارش همشهری، نخستین حادثه مربوط به مرگ زنی ۳۷ساله بود که ۲ فرزند داشت. وقتی گزارش مرگ مرموز به قاضی محمد مهدی براعه، بازپرس شعبه سوم دادسرای جنایی تهران مخابره شد، تحقیقات آغاز و معلوم شد که متوفی در خانه خودش جان باخته و نخستین کسی که با پیکر بی‌جان او مواجه شده شوهرش بوده است. وی در تحقیقات گفت: همسرم بیماری روحی و روانی داشت و احتمال می‌دهم که با خوردن قرص به زندگی‌اش پایان داده است، چون چندبار سابقه خودکشی داشت که این امر به بستری‌شدن او در بیمارستان هم منجر شده بود. این مرد گفت: روز حادثه خواهرم هم مهمان ما بود. او شاهد است که من نقشی در مرگ همسرم ندارم.

با وجود اینکه این مرد خودش را بی‌گناه می‌داند با توجه به اظهارات ضدونقیض او در ادامه تحقیقات، به دستور بازپرس جنایی بازداشت شد. تحقیقات از او ادامه دارد.

دومین قربانی دختری ۱۳ماهه بود که از اهواز برای درمان به بیمارستانی در تهران انتقال یافته بود. به گفته خانواده‌اش وی حالش بد بود و ابتدا در بیمارستانی در اهواز بستری شد، اما خانواده وی از تیم درمانی و پزشک معالج راضی نبودند، به همین دلیل او را به بیمارستانی در تهران منتقل کردند اما دیگر دیر شده بود و دختر ۱۳ماهه جانش را از دست داد. حالا خانواده او از تیم پزشکی بیمارستانی در اهواز که دخترشان در آنجا تحت درمان بود، شکایت کرده‌اند که پرونده برای رسیدگی به دادسرای اهواز فرستاده شد. اما سومین قربانی که پرونده مرگ مرموز او در دادسرای جنایی تهران در حال رسیدگی است، مرد میانسالی بود که در خانه‌اش تنها زندگی می‌کرد. یک هفته از مرگ وی می‌گذشت و ساکنان ساختمان که متوجه بوی تعفن شده بودند موضوع را به پلیس و آتش‌نشانی خبر دادند. آنها پس از ورود به خانه با پیکر بی‌جان مرد تنها مواجه شدند که به گفته همسایه‌ها فرزندانش در خارج از کشور زندگی می‌کردند. با توجه به اینکه جسد متعفن شده، علت مرگ نیز مشخص نیست، به همین دلیل بازپرس جنایی تهران دستور انتقال جسد به پزشکی قانونی برای مشخص کردن دلیل مرگ را صادر کرده است تا به‌زودی اسرار مرگ مرد تنها توسط تیم جنایی پایتخت رازگشایی شود.